

باسكال كازانووا، فرانكو مورتي، آنتونيو خانجيدو

ادبيات و جهان

ترجمه

شاپور اعتماد



سرشناسه: کازانووا، پاسکال Casanova, Pascale
عنوان و نام پدیدآور: ادبیات و جهان / پاسکال کازانووا، فرانکو مورتی، آنتونیو خانجیلو؛ ترجمه شاپور اعتماد.
مشخصات نشر: تهران: آگه، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.

شابک: 978-964-329-295-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

موضوع: ادبیات — مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: ادبیات — تاریخ و نقد — مقاله‌ها و خطابه‌ها

شماره افزوده: مورتی، فرانکو

شناسه افزوده: Moretti, Franco

شناسه افزوده: کاندیلو، آنتونیو، ۱۹۱۸ م.

شناسه افزوده: Cândido, Antônio

شناسه افزوده: اعتماد، شاپور، ۱۳۳۰ — مترجم، گردآورنده

رده‌بندی کتاب: ۱۱ الف ۴۱۱ / ک ۲ / ۱ / ۵۰۱ PN5۰۱

رده‌بندی دیوید: ۸۰

شماره کتابخانه ملی: ۳۲۶۵۲۸۷



ادبیات و جهان

پاسکال کازانووا، فرانکو مورتی، آنتونیو خانجیلو

ترجمه شاپور اعتماد

چاپ یکم ترجمه فارسی: تابستان ۱۳۹۳، آمازمازی، حروف سازی و نظارت بر چاپ: دفتر نشر آگه

(ویراستار: محمد نبوی، حروف‌نگار و صفحه‌آرا: نفیسه جعفری، نمادخوانی نهایی: فرهاد گلچین)

طراح جلد: محمودرضا لطیفی

لیتوگرافی: طلاووس رایانه، چاپ: نیل، صحافی: چاوش

شمارگان: ۱،۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

مرکز پخش: کتاب دوستان

خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، بین روانمهر و لبافی‌نژاد،

نیش کوچه دیدبان، پلاک ۳۳

تلفن: ۶۶۴۹۲۹۶۲، ۶۶۴۴۰۰۹۸۷

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.ir

قیمت: ۸،۵۰۰ تومان

مقدمه

۱. زبان جهان است.
۲. جهان ما زبان است.
کلمات واحد، تعبیر نابود است اما تعارضی وجود ندارد، چون اشاره به دو عرصه مختلف دارند: عرصه علم، عرصه ادبیات. تعبیر اول برای توصیف انقلاب‌های علمی به کار رفته است: این که بعد از هر انقلاب، بعد از تغییر زبان، جهان متفاوت است. تعبیر دوم به انقلاب‌های ادبی اشاره دارد، به کسب استقلال زبان، استقلال زبان ادبی: «وطن من، زبان من».

در تبیین مفهوم ادبیات جهانی که موضوع اصلی این کتاب است از هر دو تعبیر استفاده شده است.

ادبیات جهانی اصطلاحی قدیمی است. وقتی گفته آمد، وضع کرد جهت اصطلاح به گذشته معطوف نبود، بلکه آینده را هدف گرفته بود (به قول او زمانه ادبیات ملی به سر رسیده است، و عصر ادبیات جهانی در شرف آغاز است). مارکس و انگلس هم که بصیرت او را اقتباس کردند در مانیفست کمونیست به این اصطلاح تحرکی مضاعف بخشیدند و آفریده‌های معنوی ملت‌ها را دارایی همگانی دانستند و از به هم پیوستن ادبیات ملی و بومی در قالب یک ادبیات جهانی سخن گفتند. اما این

تحرک چندان دوام نیافت و با پدید آمدن ناسیونالیسم در قرن نوزدهم و استعمارزدایی در قرن بیستم، نه تنها معنا، بلکه خود اصطلاح هم رنگ باخت و به فراموشی سپرده شد. به طوری که یک قرن بعد رنه ولک از آن چنین یاد می کند:

در اصطلاح «ادبیات جهانی»، که ترجمه ای از Weltliteratur^۱ گوته است، بزرگ‌نمایی بی جایی به چشم می خورد، و مفهوم ضمنی آن این است که ادبیات پنج قاره، از زلند جدید تا ایسلند، باید مطالعه شود. اما، در حقیقت، مقصود گوته چنین نبوده است. منظور از ادبیات جهانی، به طریقی که او استفاده می کرد، این بود که زلند و ایسلند ادبیات همه جهان یکی شود. آرمان اتحاد ادبی این است که ادبیات همه اقوام ترکیبی عظیم به وجود آورند، و در یک هماهنگی جهانی هر می وظیفه خاص خود را انجام دهد. اما خود گوته متوجه شده است که این آرمان بسی دور از دسترس است، و هیچ ملتی حاضر نیست برای خود را از دست بدهد. امروزه چنین ادغامی حتی دست نرسنی تر شده است، و در واقع باید گفت که هیچ کس قلباً مایل نیست هیچ ادبیات اقوام گوناگون را از بین ببرد.^۲

اخیراً باز بخت به این اصطلاح روی آورده است، اما در جهت عکس، یعنی از این مساوات طلبی مورد اشاره ولک دیگر خبر نیست. در این کتاب دو رهیافت به ادبیات جهانی ارائه شده است که هر دو، اصطلاح ادبیات جهانی را برای درک ادبیات ملی احیا می کنند. برای رسیدن به این هدف، هر دو، مثل گوته و مارکس، به استعاره های اقتصادی

۱. رنه ولک و استین وارن، نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۹، ص ۴۴؛ مقایسه کنید با رنه ولک، تاریخ نقد جدید، جلد اول، ترجمه سعید ارباب شیرانی، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۳، ص ۲۸۳.

متوسل می‌شوند، برای مورتی ادبیات جهانی مثل نظام جهانی والرش‌تاین نظامی واحد ولی نابرابر است. از سوی دیگر، کازانووا مفهوم اقتصاد-جهان برودل را فرض می‌گیرد و معتقد است که این نابرابری در درجه اول در انباشت سرمایه فرهنگی ظهور می‌کند. از نظر ساختاری، اگر نابرابری مرکز-پیرامون ساختار درونی نظام واحد مورتی را تعریف می‌کند، در دید کازانووا نوعی مکانیسم قدرت عامل اصلی است، طوری که عدم تقارن آن ساختار سلطه فرهنگی را تعیین می‌کند - زیر سلطه به معادل است با محروم بودن از دسترسی ادبی در مقیاس جهانی. لذا، نظر هر دو ادبیات جهانی عرصه نزاع است. برای مورتی نزاع برای تسلط بر استیلای نمادی و برای کازانووا نزاع برای رسیدن به مشروعیت.

محور حدس‌های مورتی و روایت‌های کازانووا معطوف به رمان جدید است. حدس‌های مورتی به طبقه‌بندی ژانرها و تکامل فرم‌ها می‌پردازد. آیا فرم امری است که منطبق با تکامل فرم امری ثابت است یا امری چندگانه؟ رمان به عنوان یک نوع ادبی تحت چه شرایطی وارد فرهنگ‌های دیگر شده است. نتیجه‌ای که او از مطالعه الگوهای اروپای غربی، واقعیت‌های بومی و راوی ادبی می‌گیرد خلاف انتظار است. به اعتقاد او نوع پیرامونی رمان که از نظر زمانی متأخر است قاعده است و نوع انگلیسی و فرانسوی رمان که از نظر زمانی متقدم است در واقع استثنا است. از سوی دیگر، رهیافت کازانووا به روایت رقابت و نابرابری زبان‌ها استوار است. در تبیین او از ادبیات جهانی، اتفاق بنیادی پیدایش ادبی ملی است که در هر مورد عبارت است از تعالی زبان عامیانه به زبان ملی در مقابله با سلطه فرهنگی زبانی دیگر. در این جا، زبان و سیاست، ملت و ملیت، با هم گره می‌خورند تا زبان فرانسه به مثابه زبان ملی در برابر 'امپراطوری لاتین' تثبیت شود. او در پرتو انقلاب فیلولوژیک دهه ۱۷۹۰ در آلمان، در یک گام اصل هردری،

نوشتن و خواندن به زبان مادری را به همه اقوام تعلیم می‌دهد. این خصوصیت در نهایت ماهیت هر ادبیاتی را تعریف می‌کند و از نظر او مولد ساختار سلسله‌مراتبی موجود در نظام جهانی ادبیات است.

دامنه زمانی هر دو رهیافت دوره جدید است - دوره‌ای که طی آن ملیت‌ها یا دولت‌های جدید، یعنی نظام دولت‌های ملی جدید، شکل گرفتند. شروع آن قرن شانزدهم است و پایان آن قرن بیستم. با آن که هنوز فرآیند هنوز به پایان نرسیده است شکل کلی آن مشخص است. دامنه تجربی و استنادی این رهیافت‌ها کاملاً متفاوت است. در حالی که استناد به کمتر از ۴۰۰ رمان استدلال خود را اقامه می‌کند در حالی که مورتی با داده پایه‌ای مرکب از ۴۰,۰۰۰ رمان کار خود را شروع می‌کند. نه‌تنها شت‌های او جزو لاینفک متن است - رمان در اروپای غربی، آمریکای آمریکای لاتین، ژاپن، هند، چین، کشورهای عربی، کشورهای آفریقایی، اروپای شرقی، ترکیه، جای ایران خالی است - اگرچه پیش از این رمان فارسی کریستف بالایی، که تقریباً هم‌زمان با نگارش مقاله مورتی منتشر شد، کنار آن‌ها قرار می‌گیرد. «ادبیات و جامعه» خانجیدو در استناد هر دو رهیافت است ولی در عین حال، از نظر زبانی به انزوای ریل در آمریکای لاتین اشاره دارد؛ در پرتو آن شاید انزوای ایران در خود به قابل تأمل باشد.

در آماده‌سازی مطالب این کتاب از حمایت بسیاری برخوردار بودم. ناصر سعادت خط اینترنتی بی‌ظنری در اختیارم گذاشت که من آن مراجعات مکرر به منابع امکان‌پذیر نمی‌بود. ضیاء محمد طوف کرد شعر مقاله خانجیدو را ترجمه کرد. نام‌ها و نام آثار مطابق با تقریر آن‌ها در فرهنگ آثار است الا نام اثری از هنری جیمز. در تطبیق مجموعه با منابع مربوط از یاری محمد نبوی برخوردار بودم.

افزون بر این ویراستاری کل مجموعه به گردن او افتاد و مرا از چند لغزش برحذر داشت. از همه سپاس‌گزارم و همه خطاهای به‌جا مانده از من است.

شاپور اعتماد

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

تیر یک‌هزار و سیصد و نود و دو

www.ketab.ir